



علیرضا امیرحاجبی

جناب آغداشلو هنرمند ارجمند، این چند خط را با اندوه می‌نویسم. اما نمی‌نویسم تا حال و روحیه خود را بیان کنم که در حرف نمی‌گنجد این غم سنگین و ای کاش فراموشی زودتر بیاید تا از هجوم این اندوه خلاص شوم. سال‌ها پیش ابراهیم گلستان به شما نامه‌ای نوشت. حال فحوای آن «نوشت» چه بود و چگونه بود، باید گذشت اما امروز به‌عنوان عضو کوچکی از جامعه هنر ایران من نیز دست به قلم بردم تا نشانه کوچکی بگذارم بر خط عظیم تاریخ هنر ایران از اندوه همراه با ستایش هنرمندی که می‌شناسم‌اش. می‌دانم که ستایش ناماندار است. کمتر هنرمندی را نیز ستودهام. با صراحت حرف می‌زنم اما در دایره ادب خارج نمی‌شوم زیرا ادب میراثی است که از گذشتگان به ما رسیده است. اما گاه چند جمله‌ای می‌تواند کمی و تنها کمی از التهاب این روزهای نه‌چندان‌روشن بکاهد. ای کاش که بکاهد. نوشتن خطاب به شما لحظه حساسی بود. دودل نبودم. فقط باید با دقت می‌نوشتم چون شما هنرمند دقیقی هستید. اما باید می‌نوشتم و نیز واضح است که پس از انتشار این نامه، ناسپاسان مرا نیز خواهند نواخت. یادتان هست که تنها یک‌بار به ملاقات شما آمدم. تنها یک‌بار به گفت‌وگو نشستیم. حدود دوساعتی طول کشید حرف‌هایمان که زیادت‌ر حول محور نقاشی و ایده‌های تاریخی صادق هدایت در کتاب بوف کور می‌چرخید. مواجهه شگفت‌انگیزی بود و آن نقشه راهی که از سه دوره تاریخی برایم ترسیم کردید. با اینکه هدایت را زیاد خوانده‌ام و با او مانوس هستم قرائت شما از بوف کور بدیع و تازه بود.

گلستان در همان نامه کذا توصیه‌ای کرده بود که «به عمق برو» (و البته این عمق مفهومی انترازی است. یعنی چه؟ به عمق برو... اگر عمق را سطحی در کار نباشد چه؟) اما اگر قبول کنیم که سطح و عمقی وجود داشته باشد با شنیدن همان طرح سه دوره تاریخی که مطرح کردید مرا به بُعد دیگری بردید. نمی‌توانم هیجان آن لحظه را توصیف کنم اما آن گفت‌وگو باعث شد که با تفسیری جدید آشنا شوم. پیش خود می‌گویم تنها دوساعت معاشرت با آغداشلو این دستاورد را به‌همراه داشت. پس تحریک‌کننده ذهن‌های کنجکاو است سخن‌اراش. همین معاشرت کوتاه ثابت می‌کند که ارتباط من با شما بیشتر ذهنی است و دودادور. فعالیت‌های من نیز با شما بسیار متفاوت است. شما پیش‌کسوت در هنرهای تجسمی و من شاگرد کوچکی در حوزه هنرهای مفهومی. پس به‌لحاظ دیدگاه‌های زیباشناختی نیز متفاوت هستیم. این تفاوت‌ها اما باعث نمی‌شود تا جایگاه شما در عرصه هنر ایران را نادیده بگیرم. از شما نقد منصفانه را آموختم... از متن‌های شما. در باب هنر معماري، نگارگری، خطاطی و ست‌های زشت و زیبای مربوط به آینه‌ها و پیوند میان هنر دیروز و امروز.

می‌روم سر اصل مطلب، افرادی چیزهایی گفته‌اند به ناروا و تا حد توهین به شما پیش رفته‌اند. از مرز ادب گذشتند و متانت قلمی زیر پا گذاشتند. روح شما را آزرده کردند. می‌دانم. به همین دلیل اندوهگین هستم این روزها. اما نکته‌های ریزودرشتی در میان است. جوامع همان زمان که به تقدیس

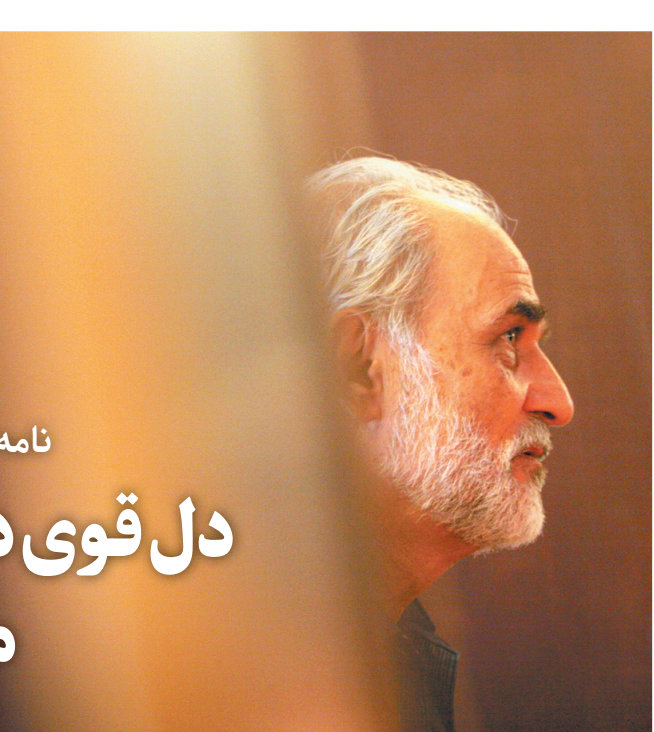
استاد چیره‌دست نستعلیق جلي (درشت) ۴۰ سال است در ایران با کرشمه‌ها و طنازی‌های خوشنویسی سنتی روزگار سر می‌کند. او در ۲۰ سال اخیر در عرصه نقاشیخط آوازه‌ای درخور توجه در منطقه خاورمیانه برای خود پیدا کرده است-ا است با اعلام کند پس از نسل درخشان احصایی، زنده‌رودی و افجه‌ای، این- جریان هنری همچنان جوشان است. علی شیرازی نقاشی است که در آثارش بر بازشناسی زیباشناسی‌های بصری خط کهن نستعلیق ایرانی تمرکز دارد و با حروف و خطوط بسیار بزرگ تلاش می‌کند طرافت‌های این میراث ایرانی را به شکل حماسی ارائه دهد. تأکید شیرازی، بازیابی و بازخوانی هویت دیرپای ایرانی است که نه‌تنها در منطقه خاورمیانه، بلکه در گستره گیتی، یگانه و بی‌پدیل است. متولد۱۳۳۹ است و از سال ۱۳۶۷ به عضویت شورای عالی انجمن خوشنویسان ایران درآمد. کسب جایزه اول خوشنویسی کشوری در سال ۱۳۴۳، جایزه اول خوشنویسی کشوری در سال ۱۳۴۵، نفر برگزیده در جشنواره خوشنویسی جهان اسلام در سال ۱۳۷۶ و کسب جایزه اول در جشنواره جهانی امارات (شارجه) در سال ۱۳۸۷ بخشی از موفقیت‌های او در زمینه خوشنویسی است. او چندین‌پیش برای دآوری اولین دوسالانه خوشنویسی کردی به سندج آمد و همین بهانه انجام گفت‌وگویی شد درباره مناسبات خط و نقاشیخط.

❧ شاید بی‌مناسبت نباشد که بیرسیم شما کجا و کردستان کجا؟

دو بار توفیق آمدن به کردستان را داشته‌ام. یک بار سال ۶۷ که سیمنا سرپرستان شعب انجمن خوشنویسان داشتیم که از زمان سرپرست انجمن اصفهان بودم و دیگری امسال به مناسبت جشنواره کردی‌نویسی که به نظرم ابتکار جالبی بود و خیلی خوب هم برگزار شد. از همه مهم‌تر مدیریت یک خانم را دیدیم که توانست افتتاحیه و اختتامیه و نمایشگاه را بر اساس مدیریت منسجم و در سطح عالی برگزار کند. در نکات بسیار ریزی دقت شده بود که ما آقایان کمتر به آن توجه می‌کنیم یا آن را جزء بدیهیات می‌دانیم. امیدوارم باز هم در آینده با هنرمندان اینجا ارتباط تنگاتنگ و دوستی‌های بیش از ۳۰ ساله داریم.

❧ هنر خوشنویسی و نقاشیخط به صورت اختصاصی از دل زبان فارسی متولد شدند و به عبارتی اگر این زبان را از آنها بگیریم، بی‌سرینه و بی‌هویت خواهند شد. جشنواره دوسالانه خوشنویسی به زبان کردی که از نظر رسم‌الخط به فارسی نزدیک است، اولین‌بار برپا شد. از نظر شما این همکاری زبانی و هنر خوشنویسی چه کمک متقابلی می‌توانند به همدگر کنند؟

همان‌طور که می‌دانید، الفبای عربی و فارسی و حتی رسم‌الخط بخش‌هایی از کشورهای پاکستان و افغانستان - با وجود گوناگونی زبان- با هم اشتراک دارند. در بنها، کتیبه‌ها و موزه‌ها آثار زیادی دارند که به خط نستعلیق نوشته شده، اما زبان آن ترکی است. این خط و الفبا خوشبختانه این توانایی را دارد که بسیاری از زبان‌های منطقه را پوشش دهد و آن نوشته شود. یکی از آنها الفبای زبان کردی است. دوسالانه خوشنویسی کردی نشان داد که مشکلی با نوشتن خط نستعلیق و شکسته به زبان کردی نداریم. بنابراین ضمن اینکه خوشنویسی



بی‌چون‌وچرای جایگاه نمادین پدر پرداختند، بذره‌های تنفر را نیز به‌طور پنهان در بستر خود آبیاری کردند. پدر در جایگاه نمادین خود واجد دو احساس است. تقدیس و هم‌زمان نفرتی پنهان. این چرخه در تمامی تمدن‌ها خود را به اشکال مختلف نمایان می‌سازد. جوان بر علیه جایگاه «پدر» طغیان می‌کند. در اسطوره‌ها هم چنین است. گاه آشکار مانند شهریار ادیب و گاه پنهان و معکوس چون رستم و سهراب. پدرکشی و پسرکشی. تاریخ بشریت انبوهی است از این رفتارها. الگوهای تاریخی به تاریخ نمی‌پیوندند آنها بازتولید می‌شوند. رفتار امروزین بشر نیز تحت‌تأثیر همین الگوهاست. آنان که خواسته یا ناخواسته به حرمت‌شکنی می‌پردازند همان پسران پدرکش هستند که روزی خود تبدیل به اهدافی آسان برای دیگران خواهند شد. وقتی به ترویج خشونت کلامی و زبانی دست می‌زنیم موتور را روشن می‌کنیم که دیگر توقف‌اش در دستان ما نیست. موجی آغاز می‌شود که بسترها را نیز می‌شورد و با خود می‌برد. هنرمندان آجرهای عمارت رفیع هنر کشور خود هستند. از رضا عباسی و میرعماد تا کمال‌الملک و سپس معاصران نام‌آوری چون شما و سپس هنرمندان نسل نو. این آجرها اندازه، کیفیات و اشکال مختلفی دارند. یعنی یک‌دست نیستند. شاید یک ناظر، یک منتقد از آجری خوشش نیاید. آیا می‌تواند آن را با دیگری تعویض یا به‌طور کل حذف نماید؟ قطعاً پاسخ منفی است.

زیرا اگر حذف تبدیل به رویه و روش شود چیزی از ساختمان باقی نمی‌ماند. باز می‌گویم که شما به‌عنوان هنرمندی تأثیرگذار یکی از همین آجرهای زیبا هستید. نمی‌توان آدیین را حذف کرد. نمی‌توان نادیده‌اش گرفت.



علیرضا امیرحاجبی

گفت‌وگو با علی شیرازی

حمایت دولت از هنر سم مهلک است

فیض‌الله پیری

این ظرفیت را دارد که برای توسعه آن از زبان‌های دیگر ایرانی استفاده شود، از طرفی زبان کردی هم یک زبان ایرانی است. درست‌که زبان مشترک ملی ما فارسی است، ولی زبان‌های منطقه‌ای و محلی هم خیلی اهمیت دارند. استفاده از این زبان‌های ایرانی حتی برای هنر خط هم خوب است و تأثیر مثبت می‌گذارد. استفاده از این زبان‌ها خوشنویسی را به قول شما از انزوا بیرون می‌آورد.

❧ خیلی‌ها می‌پرسند خوشنویسی و نقاشیخط در رسانه‌های کشور کمتر عرض‌اندام می‌کند. آیا ذات خوشنویسی است که می‌خواهد منزوی شود یا مهجور مانده است؟

البته به نظر من تا حد معقولی رسانه‌ای بوده و رسانه‌های مختلف از مجلات و روزنامه‌ها تا تلویزیون و رادیو به سراغ هنرمندان خوشنویس آمده‌اند. با خود من تماس‌های زیادی برقرار شده است. شاید بیشتر از جانب ما، کوتاهی شده تا رسانه‌ها. گاهی حتی شاید جانب افراط را هم پیمودند مثلاً یک نمایشگاه درجه سه را به‌عنوان نمایشگاه درجه یک معرفی کرده‌اند. فکر نمی‌کنم از جانب رسانه‌ها بی‌مهری صورت گرفته باشد. از دهه ۶۰ به بعد ما مدام با رسانه‌های مختلف ارتباط داشتیم.

❧ سؤال من کلی‌تر بود. اگر در عرصه موسیقی و سینما بنگریم، می‌بینید یک هنرمند مبتدی با برگزاری یک کنسرت یا حتی ساختن یک فیلم کوتاه هم موردتوجه رسانه قرار می‌گیرد. چرا خوشنویسی و نقاشیخط این‌گونه نیست؟

خوشنویسی قطعاً یک هنر درون‌گراست. از طرفی هنر دیرحاصل و دیربازده است. یک خوشنوس و هنرمند نقاشیخط زمانی می‌تواند نمایشگاهی برپا کند که حداقل ۲۰ سال کار کرده باشد. در صورتی که در یک سریال تلویزیونی ممکن است کسی برای اولین‌بار جلوی دوربین بیاید و مردم او را تحسین کنند. بنابراین

هنر



حال که امر «نمی‌توان» در میان است بهترین راه برای ادیب‌های امروزی در بستر خود آبیاری کردند. پدر در جایگاه نمادین خود واجد دو احساس است. تقدیس و هم‌زمان نفرتی پنهان. این چرخه در تمامی تمدن‌ها خود را به اشکال مختلف نمایان می‌سازد. جوان بر علیه جایگاه «پدر» طغیان می‌کند. در اسطوره‌ها هم چنین است. گاه آشکار مانند شهریار ادیب و گاه پنهان و معکوس چون رستم و سهراب. پدرکشی و پسرکشی. تاریخ بشریت انبوهی است از این رفتارها. الگوهای تاریخی به تاریخ نمی‌پیوندند آنها بازتولید می‌شوند. رفتار امروزین بشر نیز تحت‌تأثیر همین الگوهاست. آنان که خواسته یا ناخواسته به حرمت‌شکنی می‌پردازند همان پسران پدرکش هستند که روزی خود تبدیل به اهدافی آسان برای دیگران خواهند شد. وقتی به ترویج خشونت کلامی و زبانی دست می‌زنیم موتور را روشن می‌کنیم که دیگر توقف‌اش در دستان ما نیست. موجی آغاز می‌شود که بسترها را نیز می‌شورد و با خود می‌برد. هنرمندان آجرهای عمارت رفیع هنر کشور خود هستند. از رضا عباسی و میرعماد تا کمال‌الملک و سپس معاصران نام‌آوری چون شما و سپس هنرمندان نسل نو. این آجرها اندازه، کیفیات و اشکال مختلفی دارند. یعنی یک‌دست نیستند. شاید یک ناظر، یک منتقد از آجری خوشش نیاید. آیا می‌تواند آن را با دیگری تعویض یا به‌طور کل حذف نماید؟ قطعاً پاسخ منفی است.

زیرا اگر حذف تبدیل به رویه و روش شود چیزی از ساختمان باقی نمی‌ماند. باز می‌گویم که شما به‌عنوان هنرمندی تأثیرگذار یکی از همین آجرهای زیبا هستید. نمی‌توان آدیین را حذف کرد. نمی‌توان نادیده‌اش گرفت.

زیرا اگر حذف تبدیل به رویه و روش شود چیزی از ساختمان باقی نمی‌ماند. باز می‌گویم که شما به‌عنوان هنرمندی تأثیرگذار یکی از همین آجرهای زیبا هستید. نمی‌توان آدیین را حذف کرد. نمی‌توان نادیده‌اش گرفت.

زیرا اگر حذف تبدیل به رویه و روش شود چیزی از ساختمان باقی نمی‌ماند. باز می‌گویم که شما به‌عنوان هنرمندی تأثیرگذار یکی از همین آجرهای زیبا هستید. نمی‌توان آدیین را حذف کرد. نمی‌توان نادیده‌اش گرفت.

زیرا اگر حذف تبدیل به رویه و روش شود چیزی از ساختمان باقی نمی‌ماند. باز می‌گویم که شما به‌عنوان هنرمندی تأثیرگذار یکی از همین آجرهای زیبا هستید. نمی‌توان آدیین را حذف کرد. نمی‌توان نادیده‌اش گرفت.

زیرا اگر حذف تبدیل به رویه و روش شود چیزی از ساختمان باقی نمی‌ماند. باز می‌گویم که شما به‌عنوان هنرمندی تأثیرگذار یکی از همین آجرهای زیبا هستید. نمی‌توان آدیین را حذف کرد. نمی‌توان نادیده‌اش گرفت.

زیرا اگر حذف تبدیل به رویه و روش شود چیزی از ساختمان باقی نمی‌ماند. باز می‌گویم که شما به‌عنوان هنرمندی تأثیرگذار یکی از همین آجرهای زیبا هستید. نمی‌توان آدیین را حذف کرد. نمی‌توان نادیده‌اش گرفت.

❧ شما را بیشتر به‌عنوان یک هنرمند سنتی می‌شناسیم، اما به تامل خوشنویسی برای گسترده‌کردن مرزهای خود چراغ سبز نشان دادید و از هنر نقاشیخط سر درآوردید. آیا این سنت‌شکنی است یا دورشدن از هویت اصلی؟

خوشنویسی حداقل دو کارکرد مختلف دارد؛ یکی به‌عنوان کاربرد خوشنویسی که برای مصارف مختلف روزمره مانند کتابت کتاب‌ها و تلبیغات استفاده می‌شد و یک بخش دیگر، هنر محض خوشنویسی است. منتها تا قبل از تولد نرم‌افزارهای رایانه‌ای خوشنویسی، این دو حوزه با هم مخلوط بودند و به‌آسانی قابل تفکیک نبود. خوشبختانه بعد از نرم‌افزار خوشنویسی، فعالیت کاربردی خوشنویسی به رایانه واگذار شد. امروز یک هنرمند خوشنوس به معنی واقعی یک هنرمند خطاط است. بنابراین اثر هنری تولید می‌کند. این اتفاق بسیار مهمی است.

❧ بتانسیل تغییر در خوشنویسی وجود دارد تا با گذشت زمان خود را با جامعه هماهنگ کند؟ مسلماً؛ منزوی هم نشده است. اگر قرار بود منزوی شود، در طول این چندین قرن می‌شد.

به‌ویژه در دوده‌ها اخیر به دلیل گسترش رایانه و اینترنت می‌توانست این اتفاق بیفتد، اما این‌گونه نشد، بلکه برعکس شد. اگر در گذشته یک هنرمند مانند یک کارمند با نوشتن خط دستمزدی می‌گرفت، امروز این‌گونه نیست. یک هنرمند براساس علاقه و ذوق هنری خودش بدون اینکه کارفرمایی داشته باشد، در قالب خوشنویسی و نقاشیخط اثر هنری می‌آفریند و کار خود را در بازار هنر چندین برابر قیمت‌های قدیم به فروش می‌رساند.

❧ این بازاری‌شدن راهی برای خروج از چارچوب فعلی است؟

قبلاً هم بود. اتفاقاً قبل از شکل‌گیری فضای مدرن، خط بازار خریدوفروش داشت. در تمام موزه‌های جهان قبل از اینکه آثار هنری مدرن به آنجا راه پیدا کند، شاهنامه و مثنوی و قرآن‌های خطی درجه‌یک و قطعات متعدد خوشنویسی و مینیاتور در این موزه‌ها بوده و الان هم موجود است.

❧ اینکه الان در بازار آثار هنری، خوشنویسی و نقاشیخط فروش می‌رود، به نظر شما واکنش این هنر به پدیده مدرنیسم بود؟ وقتی اینترنت و حجم انبوه نرم‌افزارهای خوشنویسی از راه رسیدند، چه اتفاقی بر سر خوشنویسی آمد؟

اینترنت به خوشنویسی کمک کرد؛ چرا؟ امروز اگر یک استاد اثر هنری می‌آفریند، در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دست علاقه‌مندان می‌رسد. از نظر من در این شرایط و به واسطه این ابزارهای مدرن، هنر خوشنویسی به‌شدت رشد کرده و در حال رشد است. الان جوان‌ها آثاری را خلق می‌کنند که ۲۰ سال پیش در محلیه ما نبود. اتفاقات بسیاری مهمی دارد می‌افتد. این را از کسی می‌شنوید که در وسط گود و در جشنواره‌های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی با عناوین سیاست‌گذار، داور، برگزارکننده یا شرکت‌کننده حضور دارد.

ادامه در صفحه ۱۱

قاب جادو

مؤلفه‌های اصلی طراحی پردیس کوروش

توضیح: در پی انتشار گزارشی در شنبه (۱۴ آذر) مبنی بر اوضاع امنیت پردیس‌های سینمایی، مهرداد جاویدی‌نژاد، معمار پردیس سینمایی کوروش، طی مطلبی مؤلفه‌های اصلی ایمنی در طراحی این پردیس را برشمرداند. مؤلفه‌های فراوانی در طراحی سالن‌های پردیس سینمایی کوروش مدنظر قرار گرفته که شاخص‌ترین موارد آن به شرح زیر قابل‌طرح است:

۱- مؤلفه اقتصادی:

الف- تعریف شمار سالن‌های مورد نیاز و تعیین ظرفیت مناسب برای هریک از آنها به‌منظور افزایش ضریب کارایی و اشغال جا در سالن متناسب با نوع فیلم‌های قابل نمایش.

ب- امکان اجرای تئاتر در سالن‌های بزرگ سینما و حتی برگزاری گردهمایی (سالن‌های چندمنظوره)

۲- مؤلفه تکنیکی رفنی:

الف- تعریف استانداردهای فنی که علاوه بر توانایی نمایش آثار سینمایی داخلی با بالاترین کیفیت از قابلیت لازم برای نمایش آثار خاص بین‌المللی نیز که با جدیدترین تکنیک‌های تخصصی تهیه می‌شوند برخوردار باشند. بنابراین امکان نمایش با هر دو سیستم آنالوگ و دیجیتال فراهم شده است. ضمن اینکه از جدیدترین و کاراترین سیستم‌های پخش صوت و تصویر با بهترین رندهای تخصصی نیز استفاده شده است. در این ارتباط لازم به توضیح است که سالن‌های مختلف سینما کوروش دارای وسیع‌ترین پرده‌های نمایش داخل کشور هستند. شاید تنها جای سینمای IMAX در این پردیس سینمایی خالی باشد که آن‌هم با توجه به نوع فیلم‌های قابل‌نمایش در کشور عملاً فاقد کارایی می‌شد.

ب- استفاده از بالاترین استانداردهای طراحی گرایان با استفاده از شیب ایده‌ال و فواصل مطلوب بین ردیف‌های صندلی‌های سالن‌ها که بهترین شرایط بصری را برای تمام تماشاگران اعم از کودک و بزرگسال، کوتاه‌قد و بلندقامت بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران فراهم می‌کند و جابه‌جایی افراد در طول نمایش فیلم نیز به همین دلیل با سهولت و بدون بروز کوچک‌ترین مشکلی برای سایرین امکان‌پذیر است.

ج- استفاده از راحت‌ترین صندلی‌ها با رعایت دقیق ویژگی‌های طراحی ارگونومیک.

د-تهویه مطبوع سالن‌ها با استفاده از مدرن‌ترین سیستم‌های تاسیساتی روز دنیا.

۳- مؤلفه ایمنی:

الف- پایداری بنا:

به‌طورکلی التزام مجریان پروژه‌های عمرانی به رعایت دقیق ضوابط و استانداردهای فنی در طراحی و اجرای سازه ساختمان‌های مختلف و کنترل تحقق شرایط موضوعی توسط سازمان‌های نظارتی ذیربط سبب شده است تا بناهای شاخص شهری در سال‌های اخیر از شرایط ایمنی و پایداری بسیار بهتری بهره‌مند شوند. البته این حساسیت درباره ساختمان‌های با اهمیت بالاتر و مراجعان افزون‌تر نظیر مجتمع کوروش بسیار بیشتر از مجموعه‌های کوچک‌تر مطرح است. صرف‌نظر از دقت‌نظری که از سوی نهادهای تخصصی و قانونی کشور در این‌باره معمول می‌شود، دیدگاه‌های سرمایه‌گذار و مدیریت پروژه کوروش نیز هرچه‌بیشتر بر ارتقای سطح پایداری بنا و رعایت جنبه‌های فنی در حد بالاترین استانداردهای بین‌المللی و آخرین دستاوردهای علمی جهانی در این خصوص تأکید نموده است. در یک مقایسه عمومی می‌توان چنین نتیجه گرفت که پردیس‌های سینمایی امروز بسیار ایمن‌تر از تک‌سینماهای قدیمی هستند زیرا اساساً با توجه به قدمت ساختمان آن سینماها اصولاً این‌نامه‌های مربوط به مقاوم‌سازی بنا در مقابل زلزله در ساخت آنها اعمال نشده است.

ادامه در صفحه ۱۱

طاق‌دیس

گفت‌وگو با سیدصادق موسوی، مدیرکل سابق شبکه نمایش خانگی به آینده شبکه نمایش خانگی امیدوارم

بهناز شیربانی: رعایت کیفیت تولیدات شبکه نمایش خانگی از جمله مواردی است که می‌تواند مخاطبان را به دیدن این آثار ترغیب کند. این اصل از سوی برخی سازندگان آثار شبکه نمایش خانگی در نظر گرفته شده است. اما متأسفانه این مدیوم مشکلات زیادی تا رسیدن به شرایط مطلوب دارد. از جمله اینکه حتی پربیننده‌ترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی که اتفاقاً برای مخاطبانش نیز جذاب است، از آسیب داندوده‌ای غیرقانونی در امان نمانده و این تهدید بزرگی برای این مدیوم محسوب می‌شود و ضرر و زیان‌های بسیاری را متوجه سرمایه‌گذاران این حوزه کرده است. سیدصادق موسوی، مدیر کل سابق شبکه نمایش خانگی، که آسیب‌های این مدیوم را می‌شناسد، با ما درباره شرایط حال حاضر شبکه نمایش خانگی صحبت کرد:

❧ آقای موسوی، شما تا پیش از این عهده‌دار مدیریت کل شبکه نمایش خانگی وزارت ارشاد بودید و در این مدت این مدیوم اتفاقات مختلفی را تجربه کرد. به‌هرحال، در ابتدا شبکه نمایش خانگی خیلی برای مردم شناخته‌شده نبود و آزمون و خطاهای زیادی را تجربه کرد و در حال حاضر هم به گونه‌ای دیگر شرایط خاصی را تجربه می‌کند. اما مدتی است برخی هم از ابهامات مالی این شبکه صحبت می‌کنند که اساساً با بازگشت نکردن سرمایه در این حوزه نمی‌توان خیلی به بازگشت سرمایه اطمینان داشت. نظر شما دراین‌باره چیست؟

فکر نمی‌کنم در حوزه شبکه نمایش خانگی ما فساد مالی وجود داشته باشد. دست‌کم فکر می‌کنم اتفاقی که در شبکه نمایش خانگی در چند ماه اخیر افتاده است، این را نشان می‌دهد که مخاطب کاملاً با این حوزه آشنا شده است و از آن استقبال می‌کند. به‌ویژه استقبال از سریال شهرزاد این نکته را چشمگیرتر کرده است، برخلاف تصور عده‌ای که سرمایه‌گذاری در حوزه شبکه نمایش خانگی قطعاً زیانده است. استقبال مخاطبان از سریال‌هایی مثل مدنون طلا، شاگوش یا شهرزاد این را رد می‌کند. هرچند معتمد سرمایه‌گذاران این سریال‌ها شاید تا به اینجا خیلی نتوانسته‌اند هزینه‌های تولیدشان را از فروش محصولات کسب کنند، اما قطعاً تمام توانشان را در ارائه محصولی باکیفیت انجام داده‌اند. متأسفم فرهنگ‌سازی استفاده درست از اثری که برای آن وقت و هزینه زیادی صرف می‌شود که صرفاً به شعور مخاطبانش احترام می‌گذارد و آنها را سرگرم می‌کند، وجود ندارد. اما مردم با رعایت‌نکردن قوانین خرید این محصولات، ضربه بزرگی به آن می‌زنند و همچنان به استفاده غیرقانونی محصولات ادامه می‌دهند و هزینه‌اندکی که برای این محصولات در نظر گرفته شده است را پرداخت نمی‌کنند.



❧ از نظر شما در این شرایط می‌توان به آینده شبکه نمایش خانگی امیدوار بود؟

من کاملاً به آینده شبکه نمایش خانگی امیدوارم. از نظر من، تولید گونه‌های مختلف سریال در این شبکه می‌تواند سلیقه‌های عموم مردم را تأمین کند. از طرف دیگر، به موضوع کیفیت ساخت این سریال‌ها اشاره می‌کنم. در نظر بگیرید سریالی مثل شهرزاد به تمامی ابعاد کیفی ساخت فکر کرده است و گاهی برخی از بازیگران و مشاهیر هنر ما در این سریال‌ها بهترین بازی‌های عمر هنری‌شان را ایفا می‌کنند. مثل سریال شهرزاد که استاد ضمیربان باز هم درخشیده و یکی از نقاط قوت این سریال است. از نظر سازندگان و تولیدکنندگان آثار شبکه نمایش خانگی، این حوزه و مردم اهمیت دارند و بهتر است مردم هم این احترام متقابل را رعایت کنند.

❧ اتفاق خوبی که در روند ساخت سریال‌های شبکه نمایش خانگی شاهد آن هستیم، حضور بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری آنها در این زمینه است، اما باز ممکن است همین نبود امنیت اقتصادی در این مدیوم، بسیاری را از سرمایه‌گذاری در این حوزه منصرف کند.

تصور نمی‌کنم تا به‌حال بیش از ۱۵میلیارد تومان برای ساخت سریالی در شبکه نمایش خانگی هزینه شده باشد. در حوزه تجارت، این رقم، بسیار اندک است، اما طبعاً در حوزه فرهنگ رقم زیادی است و ممکن است برای سرمایه‌گذار هم سودآوری نداشته باشد. اما امیدوارم روند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این حوزه ادامه داشته باشد و باز هم شاهد تولید محصولات خوبی در این مدیوم باشیم.

❧ در حال حاضر نبود قانون کیی‌رأهت، مهم‌ترین نکته‌ای است که در این حوزه، مشکل‌آفرین شده است و خطری جدی برای آن محسوب می‌شود. چه تلاش‌هایی برای حفاظت از حقوق تولیدکنندگان این آثار تاکنون انجام شده است؟

قوانین ما مستحق دید‌آوردندگان را به رسمیت می‌شناسد و این قانونی است که از سال ۱۳۹۴ تصویب شده است. اما اجرائی‌شدن قانون و امکانات مناسب برای مبارزه با قاچاق، ارکان مهمی است که باید به آن توجه کرد. در حوزه فضای مجازی باید کارهای عملی‌تری به منظور داندول‌نکردن رباگان آثار انجام داد. متأسفانه در حال حاضر به محض پخش آثار در شبکه نمایش خانگی در فاصله کمتر از ۲۴ ساعت نسخه‌ای از فیلم در فضاهای مجازی برای داندول رایگان وجود دارد و شبکه‌های ماهواره‌ای نیز به‌سرعت آن را برای طیف گسترده‌تری پخش می‌کنند که این به هیچ‌وجه خوب نیست و ما نیازمند اجرائی‌شدن هرچه بهتر قانون مبارزه با قاچاق یا سرقت آثار هنری هستیم و طبعاً این نگرانی از سوی سازندگان تا انجام هرچه بهتر این قوانین وجود دارد. اما نمی‌توان با این شرایط عرصه فعالیت در شبکه نمایش خانگی را خالی گذاشت. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که متأسفانه تلویزیون همکاری خوبی با شبکه نمایش خانگی ندارد و اگر این پیوند وجود داشت می‌توانست اتفاقات بهتری برای تبلیغ و فروش آثار شبکه نمایش خانگی بیفتد. به دلیل رقابتی که همیشه تلویزیون با شبکه نمایش خانگی حس کرده، این اتفاق تا به امروز اجرائی نشده است. انتظار همه کسانی که در حوزه شبکه نمایش خانگی کار می‌کنند یا است و اجازه تبلیغ این آثار در تلویزیون فراهم شود و در این شرایط می‌توان سروسامان بهتری به شبکه نمایش خانگی داد.